

زن در اسلام

گزیده‌ای از مواضع اسلام درباره قضیه زنان

به کوشش سایت بیداری

بروزرسانی و ویرایش:

سایت نوار اسلام

عنوان کتاب: زن در اسلام
به کوشش: سایت بیداری
بروزرسانی و ویرایش: سایت نوار اسلام
موضوع: عقاید کلام - اسلام و زن (دیدگاه‌ها، تکالیف و حقوق)
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع: سایت نوار اسلام



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- مقدمه ۱
- مقام زن در نزد ملت‌های قدیم..... ۱
- آزاد شدن زنان بوسیله اسلام ۲
- ازدواج از دیدگاه قرآن ۳
- زن مسلمان در رابطه با حجاب ۴
- حجاب، پاکدامنی است ۶
- حجاب پاکی است ۶
- حجاب، پوشش خدایی است ۷
- حجاب مردانگی است ۷
- مضرات بی‌حجابی در اروپا ۷
- مضرات بی‌حجابی در آمریکا ۱۰
- سؤال: کسانی که در سرزمین‌ها ما، حجاب را نمی‌پسندند، حاضرند که عواقب تاریک و شوم این نوع زندگی را قبول کنند یا نه؟ ۱۳
- غرب زده‌های شرقی ۱۴
- اتمام حجت با غرب زدگان ۱۵
- مادرانی ماندگار ۱۶

- چندین موضوع پیرامون مسایل زنان ۱۶
- چرا طلاق جایز شده است؟ ۱۷
- محدود بودن دایره طلاق ۱۷
- چرا حق طلاق در اختیار مرد است؟ ۱۸
- آیا چند همسری انسانی و اخلاقی است؟ ۱۹
- در چه شرایطی زنان می‌توانند کار کنند؟ ۱۹
- منابع ۲۱

مقدمه

در هیچ عصر و زمانی مانند عصر حاضر مسأله زن مطرح نبوده و بحث و بررسی درباره آن تا این اندازه دامنه‌دار نشده است. البته جای تعجب نیست که زن دارای چنین مقام و اهمیتی باشد. به هیچ وجه نباید زن به عنوان وسیله سرگرمی در نظر گرفته شود و یا بصورت کالای قابل خرید و فروش به آن نگاه کنند و یا در جامعه حقی برایش قائل نشوند. بلکه زن رکن و پایه اساسی خانواده انسانی بشمار می‌آید.

قبل از اینکه آزاد شدن زن بوسیله دین اسلام را به تفصیل بیان نمایم نظر کوتاهی به ارزش و مقام اجتماعی زن در نزد ملت‌های قدیم قبل از اسلام و بعد از آن می‌اندازیم تا در پرتو آن بتوانیم تابلو واضح و روشنی از ارزش و مقامی که زن در پرتو اسلام بدست آورده است مشاهده کنیم.

مقام زن در نزد ملت‌های قدیم

آتنی‌ها که کهن‌ترین ملت متمدن دنیا هستند زن را جزو کالاهای بی‌ارزش قرار داده بودند و او را در بازارها خرید و فروش می‌کردند و او را نجس و جزو شیاطین به حساب می‌آوردند. در شریعت هند چنین آمده است: «...طاعون و مرگ و جهنم و سم و مار و آتش، همه از زن بهترند...» از طرف دیگر تورات نسبت به زن از شریعت هند مهربانتر نبوده است، در سفر جامع چنین آمده است: «من همراه قلبم به تحقیق و بررسی پرداختم تا بدانم و تحقیق کنم و حکمت و عقل بدست آورم و بدانم که جهالت و نادانی، شر محض است و حماقت و جنون است، سپس به این حقیقت پی

بردم که زن از مرگ تلختر است و زن تله‌ای است که قلبش دام‌های آن تله می‌باشد و دست‌هایش زنجیرهایی هستند که در گردن و پاها محکم می‌چسبند. در بین هر هزار مرد یک نفر درست و حسابی پیدا نمودم ولی در بین تمام زنان یک زن درست پیدا نکردم...» در سال ۵۸۶ میلادی کنفرانسی در فرانسه تشکیل شد که در آن کنفرانس، این مساله که آیا زن انسان محسوب می‌شود یا خیر، بررسی شد. سرانجام رأی با این مضمون صادر شد که زن انسان است ولی بخاطر خدمت به مرد آفریده شده است. اما در انگلستان «هنری هشتم» دستوری صادر نمود که بر اساس آن مطالعه کتاب مقدس بر زنان حرام شد. و همینطور برابر قانون سال ۱۸۵۰ انگلستان. زنان در سرشماری و آمار جزو جمعیت به حساب نمی‌آمدند. حتی زن در سرزمین عربستان نیز چنین وضعی داشت.

آزاد شدن زنان بوسیله اسلام

وقتی اسلام آمد اوضاع جهان در مورد زن به نحوی بود که بیان کردیم. اسلام شروع به آزاد ساختن زن و بیرون آوردن او از زیر بار بی‌عدالتی نمود که و او را به چنین مقام و منزلتی ارتقا داد که هیچ تمدنی نتوانسته بود او را به این مقام برساند. اسلام با صدای بلند اعلام کرد که زن یکی از دو اصل و عنصری است که انسان‌ها از آن بوجود آمده‌اند و خداوند این اصل را در قرآن اینگونه بیان می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...﴾ [النساء: ۱] «ای مردم از پروردگار خود پروا داشته باشید و از عذابش بترسید، همان پروردگاری که همه شما را از یک نفس آفریده است و همسرش را از جنس همان نفس بوجود آورد...».

بعضی از اعراب عادت داشتند که دخترهای خود را زنده به گور می‌کردند، همین که اسلام آمد، این کار بسیار شنیع را حرام نمود و آنان را از کشتن جگر گوشه‌های خود منع کرد. آنان عادت داشتند که زن را از میراث محروم می‌کردند و تنها کسانی را وارث می‌دانستند که قدرت مقابله با دشمن را داشته باشند. اما اسلام اعلام نمود که زن حق ارث دارد و حقوق زنان را خود خداوند تقسیم نمود. و ظلم و ستم فراوانی که در تاریخ ثبت شده و بر زن این موجود ظریف روا می‌شد را ملغی اعلام نمود. خصوصا در امر ازدواج که فرد، زن پدر خود را همراه ثروتش به ارث می‌برد و با اجبار با او ازدواج می‌کرد یا اینکه او را همچون کالایی در اختیار هر کس که می‌خواست قرار می‌داد.

همچنین در زمان جاهلیت ازدواج‌های فاسد رواج داشت که وقتی اسلام آمد همه را باطل و حرام اعلام نمود.

ازدواج از دیدگاه قرآن

ازدواج از نظر قرآن یک زندگی مشترک انسانی است که از لحاظ فردی و اجتماعی دارای مقام و ارزش فراوان می‌باشد. در موقعیت درست و صحیح خود، ازدواج یک واجب اجتماعی است تا از انقراض بشر جلوگیری کند. علاوه بر این با ازدواج بین زن و شوهر، رابطه اطمینان و آرامش بوجود می‌آید و قلب‌ها آرام می‌گیرد.

یکی از پایه‌های محکم و استوار برای دوام مهر و محبت و آرامش در بین زن و شوهر، کفایت و وجود تناسب تربیتی و اخلاقی در بین آنان است. در این مورد خداوند می‌فرماید: ﴿الْحَيِّثُ لِلْحَيِّثِينَ وَالْحَيِّثُونَ لِلْحَيِّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ [النور: ۲۶] «زنان ناپاک برای مردان ناپاک هستند و مردان ناپاک برای زنان ناپاکند و زنان پاک متعلق به مردان پاکند و

مردان پاک متعلق به زنان پاکند». از طرف دیگر زندگی زناشویی و خانوادگی یک زندگی مشترک و اجتماعی است و هر اجتماعی لازم است که رئیسی داشته باشد و الا هر کس بنابر آرزو و سلیقه فردی که در برخی موارد با دیگران متفاوت است اقدام به کار می‌کند و این امر باعث هرج و مرج و بی‌نظمی می‌گردد. درحالی که اگر رئیسی داشتند از این اختلاف جلوگیری می‌شد و چه کسی بهتر از یک مرد سالم می‌تواند در خانه ریاست را بر عهده بگیرد، زیرا او آگاهتر به مصالح خانواده می‌باشد، به این خاطر خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید: ﴿وَالَّتِي نَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ «زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنها بیم دارید پند و اندرزشان بدهید و اگر مؤثر واقع نشد از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید و با ایشان سخن مگویید (اگر باز هم مؤثر واقع نشد) آنان را تنبیه کنید آنگاه اگر (در امر مشروع) از شما اطاعت کردند (ترتیب تنبیه سه‌گانه را مراعات کنید و از اخف به اشد نروید و جز این‌ها راهی دیگر) را برای تنبیه آنها مجوید».

زن مسلمان در رابطه با حجاب

مسأله حجاب که اکثر نویسندگان غربی به آن حمله کرده‌اند و آن را مورد ایراد و طعن قرار داده‌اند تنها بخاطر حفظ وقار و شخصیت و اخلاق زن در قرآن کریم واجب اعلام شده است.

بدون شک خطر شهوت و غرائز جنسی به مراتب بیشتر از خطرات اجتماعی دیگری است که به منظور جلوگیری از آنها قوانین و مقرراتی وضع می‌گردد تا با آنها مبارزه شود و آزادی گردد. خداوند متعال در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۳﴾ وَقُلْ
 لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا
 مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا
 لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ
 إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ
 التَّبَعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَالِدِ الَّذِينَ لَمْ يُظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ
 النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ
 جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۴﴾ [النور: ۳۰ - ۳۱] «ای پیامبر، به
 مردان مومن بگو چشمان خود را از نامحرم فرو گیرند و عورت‌های خود را محفوظ
 نگه دارند که این کار برای ایشان باعث پاکی و زیندگی بیشتر است بی‌گمان
 خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان مومنه بگو چشمان خود را از
 نامحرمان فرو گیرند و چشم چرانی نکنند و عورت‌های خویش را نمایان نسازند
 مگر آن مقداری که طبیعتا و معمولا به هنگام کار نمایان می‌شوند و چارقد و
 روسری‌هایشان را بر یقه‌هایشان بکشند، و زینت خود را نمایان نسازند مگر برای
 شوهرانشان، پدرانشان، پدران شوهرانشان، پسرانشان، پسران شوهرانشان،
 برادرانشان، پسران برادرانشان، پسران خواهرانشان. زنان هم کیش خودشان،
 کنیزانشان، پیرانی که غریزه جنسی در آنان نیست، و کودکانی که هنوز بر عورات
 زنان آگاهی پیدا نکرده‌اند و هنگام راه رفتن (با وقار راه روند) و پاهای خود را بر
 زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان نمایان گردد، و ای مؤمنان همگی به سوی
 خدا باز گردید تا رستگار شوید».

باز خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر و تمام زنان
 می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
 الصَّلَاةَ وَعَاتِنَ الرِّكَوَّةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

الرَّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾ [الأحزاب: ۳۳] «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و رسولش را فرمان برید، خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

حجاب، پاکدامنی است

خداوند متعال پایبند بودن به حجاب اسلامی را، عفت یاد می‌کنند و می‌فرمایند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوِّجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۵۹﴾ [الأحزاب: ۵۹] «ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است و خداوند، آمرزنده و مهربان است».

در واقع پوشش زنان برای این است که از اذیت و آزار در امان باشند. آیه اشاره به این است که شناختن معارف زن برای افراد نامحرم در واقع باعث فتنه است برای خود زن. حال برای اینکه زن از این اذیت و آزارها در امان باشد چه بهتر که به ندای حق گوش دهد.

حجاب پاکی است

خداوند متعال می‌فرماید: «هنگامی که از زنان چیزی خواستید آن را از پشت پرده بگیرید، این کار پاکیزه تر است برای قلب‌های شما و قلب‌های ایشان» حجاب پاکی است برای قلب‌های مؤمنین زیرا چشم هنگامی که چیزی را ندید بسوی آن اشتیاق پیدا نمی‌کند به این خاطر ندیدن زن بیگانه برای هردو طرف بهتر است از طرف دیگر لحن صحبت تأثیر زیادی بر مردان دارد بطوری که خداوند خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: ﴿يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ

لَسْتُ كَأَحَدٍ مِنَ التِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ [الأحزاب: ٣٢] «ای همسران پیامبر شما مانند زنان دیگر نیستید اگر از خداوند پروا دارید پس به ناز سخن مگویید چه بسا با این کار کسی که در دلش مرض و بی‌عفتی وجود دارد نسبت به شما طمع ورزد (و در دلش نسبت به شما افکار بد داشته باشد) و گفتار شایسته بگویید».

حجاب، پوشش خدایی است

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خداوند متعال حیا را دوست دارد و شما را می‌پوشاند». باز ایشان می‌فرمایند: «هر زنی که لباسش را در غیر خانه‌اش خارج کند خداوند متعال پوشش خود را از این شخص بر می‌دارد» هرکس که حجاب خود را کنار گذارد خداوند نیز حجاب خودش را از او کنار می‌زند و عیب‌های او را در ملأ عام بر ملا می‌سازد.

حجاب مردانگی است

حجاب و غیرت در کنار هم قرار می‌گیرند. مردی که غیرت داشته باشد هیچگاه دوست ندارد که نظر نامحرم‌ان بسوی زن و دخترش باشد در این مورد حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «به من خبر رسیده که مردان کفار در بازار مزاحم زنان شما می‌شوند، آیا شما غیرت ندارید؟ در واقع کسی که غیرت نداشته باشد خیری در او نیست».

این دستور خدا و بزرگان دین ما در رابطه با حجاب بود اما ببینیم اروپای نوین با این واجب اجتماعی چگونه برخورد کرده است.

مضرات بی‌حجابی در اروپا

وقتی که فلاسفه و دانشمندان اروپایی در قرن هجدهم به دفاع از حقوق فرد پرداختند و دروازه‌های حریت و آزادی را به روی افراد گشودند در جامعه

اروپا تمدن فاسدی حکومت می‌کرد. این حکومت از ترکیب نظام اخلاقی، فلسفه زندگی مسیحیت، و نظام فئودالیستی تشکیل شده بود. این سه عامل خارجی روح بشریت را به قیود سنگین و غیر طبیعی محدود ساخته بود. نظریاتی را که دانشمندان نوین اروپا برای از بین بردن این نظام فاسد و ایجاد نظام پیشنهاد کرده بودند به شکل انقلاب کبیر فرانسه عرض اندام کرد تا آنکه بعد از گذشت زمان روزگار به شکل موجود فعلی در آمد تا جایی که نظرات اساسی و اصولی بنیان اجتماعی اروپای نوین بصورت سه اصل زیر تدوین شد: ۱- مساوات بین زن و مرد ۲- آزادی زنان در امور زندگی ۳- اختلاط و آمیزش مطلق بین زن و مرد.

آنان از معنی مساوات چنین فهمیدند که باید زن و مرد در امور بشری و ارزش اخلاقی مساوی باشند و زن در زندگی اجتماعی همان اعمالی را انجام دهد که مرد انجام می‌دهد و همانطور که مردان در سابق از قیود اخلاقی آزاد بودند زنان نیز از همان بی‌بند و باری برخوردار باشند. این برداشت غلط از مساوات زن را از ادای وظیفه فطری و طبیعی‌اش که بقا و ادامه نسل بشر است نه تنها غافل بلکه منحرف ساخت و تمام ابعاد وجودی او را از حرکات و اعمال سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی به خود مشغول ساخت و شخصیت فطری او را از بین برد. موضوع انتخابات و وظایف رسمی، رقابت با مردان در تجارت و صنایع آزاد، شرکت در مسابقات ورزشی، تئاتر، مجالس رقص و لهو و لعب و دیگر اسباب تفریح که دستاورد این تمدن ظاهر فریب می‌باشند و حیا مانع از ذکر آنها می‌گردد و او را از وظیفه اصلی‌اش باز داشت و او را از انجام برنامه زندگی‌اش که قبول تکالیف زندگی زن‌شویی، تربیت اطفال، سر و سامان دادن به خانواده بود بازداشت.

استقلال زنان در امور زندگی و مسائل اقتصادی باعث بی‌نیازی آنان از مردان گردید. قاعده و رسم قدیم بر این بود که مرد در بیرون از خانه کار

می‌کرد و زن مشغول تدبیر امور منزل می‌گردید ولی این نظریه در عصر جدید تغییر کرد و مرد و زن هر دو به کار پرداختند و هتل‌ها و شرکت‌ها جای خانه را گرفتند. بنابراین دیگر رابطه و نیازی جز ارضای غریزه حیوانی شهوت بین زن و شوهر باقی نماند و کاملاً واضح است که فقط ارضای غریزه حیوانی زن و مرد را مجبور نمی‌سازد که در یک خانه زندگی نمایند و زندگی زناشویی مستمر و همیشگی داشته باشند. زیرا زنی که خودش کار می‌کند و همه کارهای خودش را انجام می‌دهد در زندگی روزانه‌اش نیاز به سرپرست ندارد که از او فرمان ببرد. این زن به خود می‌گوید برای چه با چنین مردی ازدواج کنم؟ و چرا خودم را بی‌خود به تحمل قیدهای اخلاقی و بار سنگین قانون سازم؟ در ضمن تفکر معصیت و گناه و ندامت نیز با از بین رفتن دین در اذهان، رنگ باخته است و از طرف اجتماع هیچ خطری را احساس نمی‌کنند بلکه اجتماع آنان را برای این برنامه‌ها تشویق می‌کند. آخرین چیزی که این زنان از آن خوف دارند فرزندی است که از این طریق بوجود می‌آید ولی وسائل امروزی این خوف و هراس را نیز از بین برده است ابتدا از وسائل جلوگیری از بارداری، و اگر مؤثر واقع نشد سقط جنین و اگر نشد کشتن یا رها کردن نوزاد در کوچه‌ها و بازارها... فراوانی اختلاط و آمیزش بدون قید و شرط سبب شد تا آرایش، نمایش زینت‌ها و بی‌بند و باری در زنان زیاد شود زیرا جاذبه جنسی بین زن و مرد دارای قدرت و کشش غیر قابل انکاری است و اختلاط دو جنس و دستیابی آسان به جنس مخالف بدون پذیرفتن مسئولیت‌ها و مشکلات این قدرت و کشش را زیاد می‌کند. این اختلاط در جهان منجر به افزایش زنان فاحشه شد تا جایی که تعداد این زنان در فرانسه قبل از جنگ جهانی اول به نیم میلیون نفر رسید. یکی دیگر از مضرات آمیزش زن و مرد. طغیان شهوات جنسی بود. شبکه ای از ثروتمندان جهان نیز با در دست گرفتن جراید و روزنامه‌ها و سینماها

به این امر دامن می‌زدند تا هم بازار بهتری به دست بیاورند و هم مشتری بیشتری کسب کنند.

مضرات بی‌حجابی در آمریکا

قاضی بن لندی که رئیس دادگاه جنایی نوجوانان در شهر «نور» آمریکاست در کتابش بنام *تمرد نسل جوان* می‌نویسد: «کودکان در آمریکا طوری هستند که زودتر از حد معمول بالغ می‌شوند و از سنین خردسالی احساس و هیجان جنسی در ایشان زنده می‌شود.» قاضی مذکور ۳۱۲ دختر را مورد بررسی قرار می‌دهد و چنین نتیجه می‌گیرد که در بین آن‌ها ۲۵۵ دختر که سنشان بین یازده تا سیزده سال بود به سن بلوغ رسیده بودند و در ایشان علایم شهوانی مشخص بود دکتر مزبور می‌نویسد که در شهر بالتیمور در مدت یک سال تعداد یک هزار شکایت موجود بوده که تمام آن‌ها در رابطه با ارتکاب زنا با دختران کمتر از ۱۲ سال می‌باشد. این بود نتیجه و ثمرهٔ ابتکاری که محیط جدید برای زنان بوجود آورده بود.

یک نویسندهٔ آمریکائی می‌گوید: اوضاع و شرایطی که اکثریت مردم ما در آن زندگی می‌کنند چنان از فطرت بدور است که پسران و دختران از سن پانزده سالگی مبتلا به فساد اخلاقی می‌شوند و این کار چه سرنوشت بد و نافرجامی دارد زیرا این رغبت و علاقهٔ شدید در این سن و سال در کنار خود خطرهای زیادی دارد که کوچکترین نتیجه‌اش این است که دختران فرار می‌کنند و ...

از دیگر آثار اختلاط بی‌قید و بند در جوامع غربی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- از هم گسیختگی اخلاقی: از هم پاشیدن اخلاق و کودتای شهوانی. غلبهٔ شهوات حیوانی بر انسانیت انسان. تباه شدن حیا و عفت در

بین زنان و مردان و سلب آسایش از جامعه و... همه از آثار بی‌بند و باری و آزادی جنسی هستند. کندی رئیس جمهور پیشین آمریکا در یک اعتراف مشهور که در سال ۱۹۶۲ توسط روزنامه‌ها پخش شد. اظهار داشت: «جوانان آمریکایی پوچ و خام و از هم گسیخته و در لجنزار شهوانی غرق شده‌اند. شش هفتم آن‌ها به علت فساد اخلاقی لیاقت و توانایی خدمت سربازی را ندارند، به عنوان یک مسئول آمریکایی هشدار می‌دهم که آینده آمریکا در خطر است»

۲- انتشار فرزندان نامشروع انتشار فرزندان که بصورت غیر قانونی متولد شده‌اند یکی از آثار آشکار بی‌بند و باری جنسی و برداشته شدن حجاب از بین جامعه است و از گزارشات متعددی که از دختران حامله در دبیرستان‌های آمریکا تهیه شده آمار وحشتناکی بدست آمده است و اینک به تازه‌ترین سرشماری در این مورد می‌پردازیم در این گزارش آمده است که بیش از یک سوم متولدین سال ۱۹۸۳ در نیویورک. کودکانی هستند که از راه نامشروع و غیر قانونی به دنیا آمده‌اند و اکثر آن‌ها از دخترانی متولد شده‌اند که سن آنان از ۱۹ سال پایینتر است. تعداد این کودکان ۱۱۲۳۵۳ نفر یعنی ۳۷٪ از کودکان متولد شده در نیویورک است.

۳- افزایش تعداد کسانی که علاقه به ازدواج و زندگی زناشویی ندارند: وجود راه‌های ارضای غرایز شهوانی بدون دردسر و پیگرد قانونی و بدون تحمل هزینه‌های ازدواج سبب شده که بسیاری از جوانان این راه آسان را انتخاب کنند و به گمان خود بجای زندگی راکد و تکراری هر روز با یکی در فضای تنوع به سر برند و روزهای جوانی را با این و آن سپری کنند. از سوی دیگر از دام تکلیف‌های همسر داری و هزینه‌های پرورش فرزندان نجات یابند. نتیجه چنین

فرهنگی وجود دختران سرگردان بی‌شماری است که روزهای جوانی را بدون همسری می‌گذرانند که در کنار او به آرامش برسند. وقتی به سن پیری رسیدند همچون کالایی فرسوده به گوشه‌ای پرتاب خواهند شد.

۴- افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌ها مشکلات و موانع بسیاری در راه ازدواج قد برافراشته‌اند و در صورت ازدواج پیوند بین زن و شوهر چندان محکم و مطمئن نیست چنانکه بین زن و مرد نامحرم در جامعه محدودیتی وجود نداشته باشد کسی حاضر نیست این همه موانع و مشکلات را تحمل کند و حتی به فرض ازدواج هم. خانواده خیلی زود فرو می‌پاشد و با کوچکترین بهانه پیوند زن و شوهر از هم می‌پاشد و نسبت طلاق در آمریکا روز به روز با رشد وحشتناکی افزایش می‌یابد.

۵- افزایش بیماری‌های وحشتناک بیماری‌های مسری. اختلالات عصبی و روانی، دیوانگی و ناهنجاری‌های جسمی و روانی هر ساله هزاران قربانی می‌گیرد. ایدز این خطرناک‌ترین بیماری است که سال‌های زیادی از کشف آن نمی‌گذرد. این بیماری سیستم دفاعی بدن را در مقابل میکروب و بیماری‌های معمولی نابود می‌سازد و چنانکه در گزارش‌های پزشکی و آمارگیری‌های رسمی که از نشریات و روزنامه‌های جهان منتشر می‌شوند، این بیماری جان میلیون‌ها انسان را تهدید می‌کند. در اینجا باید به عظمت اسلام و معجزه پیامبر اعتراف نمود که می‌فرماید: «میان هر قومی که فساد و فحشاگری گسترش یابد و آن قوم در ارتکاب گناه گستاخ شوند طاعون و بیماری‌هایی در میان آنان گسترش می‌یابد که در میان گذشتگان آنان وجود نداشته است» دعوتگران اختلاط نامشروع و

بی‌بند و باری و از هم گسیختگی اخلاقی چرا می‌خواهند این همه درد و بلا را به جامعه ما تزریق کنند حال آنکه خداوند ما را از آن بر حذر داشته است.

۶- از بین رفتن محبت بی‌گمان در بسیاری از کشورها فسق و فساد پنهانی جایگزین فساد و بدکاری علنی شده است، که به شکل آزاد و بصورت امری روا انجام می‌گیرد. بنابراین آزادی جنسی و محبت از شخصی به شخص دیگر در ذات خود محبت واقعی را از بین می‌برد، زیرا تا زمانی که انسان به مقصود نرسیده است محبت همان چیز را دارد و همینکه به هدف خود رسید در پی به دست آوردن محبت دیگری و در واقع به دام انداختن دیگری است. این بود گوشه‌ای از بی‌بند و باری که در اروپا و آمریکا رواج دارد و هر روز زیادتر می‌شود.

سؤال: کسانی که در سرزمین‌ها ما، حجاب را نمی‌پسندند، حاضرند که عواقب تاریک و شوم این نوع زندگی را قبول کنند یا نه؟

کسانی که در سرزمین ما و دیگر سرزمین‌های شرق، حجاب را نمی‌پسندند حتما در نظرشان همین طرز زندگی است و همه حواس و شعورشان تحت تأثیر مظاهر فریبنده این نوع زندگی واقع شده است. اینجا سؤال مطرح است که آیا این مردم حاضرند که عواقب تاریک و شوم این نوع زندگی را قبول کنند یا نه؟ و یا به عبارت دیگر آیا ایشان راضی هستند که به نتایج عملی این نظریات و مبادی بروند یا نه؟

در پاسخ به سؤال مزبور آن‌ها چند گروه می‌شوند. گروهی از ایشان نتایج آن را با کیفیت می‌دانند و به آن رضایت دارند و آن را از آثار روشن و درخشان زندگی غربی می‌دانند و نمی‌خواهند که آن نتایج را بپذیرند و فقط منافع مادی و شهوترانی آن‌ها را به این زندگی وادار ساخته است.

گروه سوم نه این نظریات را می‌دانند و نه از نتایج آن خبر دارند و نه می‌خواهند که رابطه بین این نظریات و نتایج آن را بدانند بلکه می‌خواهند چیزی را که در دنیا معروف و مشهور است از آن پیروی کنند. ای گروه‌های سه گانه چنان با هم آمیخته شده‌اند که در وقت مباحثه کسی نمی‌تواند آن‌ها را از هم تشخیص دهد لذا از ضروریات مهم آن است که این گروه‌های سه گانه از هم جدا شوند و جداگانه بررسی شوند.

غرب زده‌های شرقی

گروه اول کسانی هستند که به فلسفه، نظریات و اصول مدنیت غربی ایمان دارند و خود را تسلیم آن نموده‌اند. آن‌ها در همه امور با طرز فکر غربی فکر می‌کنند و با عینک مؤسسين تمدن جدید اروپا به آن می‌نگرند و آرزو دارند که زندگی مدنی مملکتشان را مطابق اروپا پایه گذاری نمایند. لذا آخرین هدفشان از تعلیم و تربیت زن این است که او روش بدست آوردن روزی را یاد بگیرد و در عین حال نقل و نبات مجالس بوده فن اشباع غرایز و مقام و منزلت او در خانواده این باشد که مانند مردان یک عضو کاسب و نان آور بوده و سهم خودش را خودش بدست بیاورد.

همچنین وظیفه ملی زن را این می‌دانند که به یکی از خدمات اجتماعی سرگرم باشد در پست‌های دولتی و کشوری و در مجالس و کنفرانس‌ها حاضر باشد و... این است زندگی ایده آل در نظر این گروه غرب زده که زندگی فقط زندگی غربی می‌باشد. این نوع زندگی را نه تنها فلسفه اخلاقی حمایت می‌کند بلکه اصول دمکراسی غربی و نظام سرمایه داری نیز تقویت و مساعدت می‌کند و این قوای سه گانه برای غربی ساختن نظام زندگی دست به دست هم می‌دهند. تمام این رذائل و پستی‌ها به نفع سرمایه‌دار تمام می‌شود و بخاطر همین نظام سرمایه‌داری است که این کارها در شهرهای

بزرگ و کوچک رواج پیدا می‌کند، همین نظام است که زن‌ها را مجبور به کار می‌کند و همین نظام است که جلوگیری از بارداری را تبلیغ می‌کند و همه نوع وسایل و داروهای جلوگیری را در اختیار مردم می‌گذارد تا بتوانند آزادانه تر به نقشه آن‌ها عمل کنند

اتمام حجت با غرب زدگان

غرب زدگان شدیدترین اعتراضات را بر حجاب وارد می‌کنند. حجاب در نظر آن‌ها یک چیز بی‌معنا و باطل به حساب می‌آید و برای از بین بردن حجاب دست به تمسخر و و محکومیت آن زده‌اند ولی استدلال آن‌ها بسیار ضعیف است. آن‌ها اگر یک لحظه تفکر می‌کردند و می‌فهمیدند که اختلاف اساسی میان ما و آن‌ها در مقام ارزش انسان است. اموری که نزد ما قیمت و ارزش والایی دارد نزد آن‌ها بسیار بی‌ارزش و بی‌مقدار است و تا زمانی که بین طرفین این اختلاف وجود دارد هیچ تفاهمی بوجود نمی‌آید. پس بیایید مقیاس شما را هم مورد ارزیابی قرار دهیم.

گروه دیگری هم بجز گروه اول وجود دارند. گروه اول هم از مسلمانان و هم از غیر مسلمانان هستند اما گروه دوم اکثراً مسلمان بوده و از خود احکامی را تراشیده‌اند که آن‌ها را با احکام حجاب مخلوط کرده‌اند و تا حال نیز مردود بوده و نه از آن طایفه‌اند و نه این طایفه، خود را مانند بسیاری از مردم مسلمان می‌دانند ولی به اکثر احکام اسلامی پایبند نیستند لذا این اجتماع اجباری و ساختگی بین رسوم غربی و اسلامی و حجاب و بی‌حجابی پایدار و استوار نخواهد ماند.

گروه سوم: این گروه بیشتر کسانی هستند که از خیلی مسایل غافل هستند و قدرت تحلیل مسایل را ندارند که ما درباره آن‌ها بحث و بررسی داشته‌ایم.

مادرانی ماندگار

یکی از رهنمودهای قرآن آن است که مادرانی صالح و پاک سیرت را به عنوان الگو فراروی مردان و زنان مؤمن قرار می‌دهد که برای بشریت الگو اسوه می‌باشند یکی از آنان مادر حضرت موسی است که به خاطر خدا و بنا به دستور خداوند جگر گوشه خود را به دریا می‌اندازد. یکی دیگر مادر حضرت مریم است که حمل خود را نذر خدمت به دین و دور نگه‌داشتن از شرک و بندگی غیر خداوند می‌کند و همیشه از خداوند درخواست می‌کرد که نذر و دعایش را بپذیرد: ﴿فَتَقَبَّلَ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [آل‌عمران: ۳۵] «از من بپذیر زیرا تو شنوا و آگاه هستی» اما پس از اینکه فرزندش به دنیا آمد برخلاف انتظارش دختر بود. این دختر بودن مانع از وفای عهد او نشد. دیگر مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی علیه السلام که قرآن او را نمونه‌ای از پاکی و عبادت و تصدیق آیات خداوند می‌شمارد. این‌ها نمونه‌هایی بودند که خداوند در قرآن کریم از آن‌ها به عنوان زنان نمونه یاد کرده و به ما معرفی می‌کند.

چندین موضوع پیرامون مسایل زنان

در طول یک قرن اخیر تهاجم فرهنگی غرب و مسیحیت در دو جبهه علیه اسلام سازماندهی و متمرکز گردیده است. یکی در ارتباط با موضوع طلاق و دوم راجع به تعدد زوجات یا چند همسری است اما در عین حال ما با توجه به شناختی که از دین خود داریم هر دو موضوع را به عنوان افتخارات اسلام به شمار می‌آوریم. برآستی جای تاسف است که برخی از مسلمانان آن دو موضوع را به عنوان دو پدیده مشکل آفرین برای خانواده و

اجماع تصور نمایند و به گونه‌ای خدشه آور در ارتباط با شریعت اسلامی سخن بگویند اما حقیقت آن است که اسلام در راستای حل و فصل مشکلات مختلفی در زندگی خانوادگی و اجتماعی است که آن دو موضوع را مشروع و مقرر نموده است و مشکل واقعی آنگونه افراد به کج فهمی در مورد شریعت خداوند یا اجرای ناصحیح آن بر می‌گردد و در واقع هر چیزی که بکار گرفته شود زیان‌های فراوانی در پی خواهد داشت.

چرا طلاق جایز شده است؟

اسلام هرگونه طلاق را بجا و پسندیده نمی‌داند، بلکه برخی از انواع آن را بخاطر فرو پاشیدن خانواده مکروه و گاهی حرام می‌شمارد. به همین خاطر در حدیثی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ناپسندیده‌ترین حلال نزد خداوند متعال طلاق است» طلاق که از نظر اسلام جایز و مشروع است در واقع همچون عمل جراحی است که انسان بیمار درد و سختی و مشکلات را در جهت محافظت از سلامت بقیه اعضای جسم و مقابله با ضرری بزرگ‌تر تحمل می‌نماید. زمانی که میان زن و شوهر کدورت و نفرت عمیق و ریشه‌دار گردد و همه تلاش‌های خانواده طرفین و دوست‌های آنان بدون نتیجه ماند و امکان آشتی وجود نداشته باشد تنها راه حل و داروی ممکن طلاق و جدایی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«چنانچه (زن و شوهر) از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از بخشش و احسان خود بهره مند خواهد نمود و بی‌نیاز خواهد گرداند» [نساء: ۱۳۰].

محدود بودن دایره طلاق

چنانچه اصول و ارزش‌ها و رهنمودهای اسلام از طرف مردم مورد توجه قرار بگیرد و به آن‌ها پایبند باشند بسیار کمتر به طلاق نیاز پیدا خواهند کرد و تا حدود زیادی آمار طلاق پایین خواهد آمد. برخی از ارزش‌ها و

مسئولیت‌هایی که پایه‌های خانواده‌ای قوی هستند و از جدایی پیشگیری می‌نمایند عبارتند از: ۱- دقت و بررسی کافی به هنگام انتخاب همسر ۲- پیش از پیش از عقد دختر و پسر لازم است همدیگر را ببینند و با میزان زیبایی و ظاهر یکدیگر بصورت مشروع و شایسته آشنا شوند ۳- بستگان دختر همه تلاش خود را برای انتخاب همسری متدین و فهمیده و با شخصیت برای او بکار گیرند ۴- به رضایت دختر در موضوع عقد و ازدواج اهمیت فوق العاده داده شود ۵- اطلاع و رضایت ولی طرفین موضوع مهم و ضروری است و به عنوان امری واجب به آن‌ها نگاه شود ۶- با مادر دختر در مورد ازدواج صحبت و مشورت شود ۷- رفتار و معاشرت خوب را مسئولیتی واجب و اساسی قلمداد کنند ۸- مرد را باید توجیه کرد که واقع نگر باشد و چندان آرمانی و خیالی در مورد همسر خود فکر نکند ۹- مردان باید متوجه این موضوع مهم باشند که هرگاه نسبت به همسر خود دچار دلگیری و نگرانی شدند عقل و حکمت و مصلحت را قاضی خود قرار دهند ۱۰- مرد باید با همسر ناهل و نافرمان بر مبنای حکمت و آینده نگری و آرامش بدون ضعف برخورد نمایند و اگر با او تندی کند از خشونت پرهیز کند ۱۱- اسلام در برابر اختلاف پیش آمده میان زن و شوهر نزدیکان و دوستان آنان را مسئول می‌داند و آنان را به تشکیل دادگاه خانوادگی از طرف اشخاص مورد اعتماد برای حل اختلافاتشان استفاده کنند.

چرا حق طلاق در اختیار مرد است؟

گاه برای افرادی این سؤال پیش می‌آید که به چه علت مرد به تنهایی حق دارد و می‌تواند همسر خود را طلاق دهد.

در جواب باید گفت: که مرد سرپرست و مدیر مؤسسه منزل و خانواده است در ابتدا پرداخت مهر و متعلقات آن را او بر عهده گرفته و ارکان بنای

خانواده بر دوش او استوار گردیده است. به همین دلیل برای کسانی که چنان مسئولیت‌هایی را متحمل شده باشند، بسیار سخت و گران است که به آسانی و بخاطر امور کم ارزش بخواهد ارکان ساختمانی را که با رنج و تلاش و تدبیر خود فراهم ساخته متلاشی نماید.

آیا چند همسری انسانی و اخلاقی است؟

چند همسری به گونه‌ای که اسلام آن را ترسیم کرده است موضوعی کاملا انسانی است که به مرد اجازه نمی‌دهد که هرگاه و با هر زنی که خواست ارتباط نامشروع داشته باشد علاقه و ارتباط با زنی دیگر تنها در دایره مشروع و رعایت حقوق و شروط آنها است که جایز است. در ازدواج بویژه ازدواج دوم بایستی خانواده زن در جریان قرار داشته باشند و به آن رضایت بدهند، و دست کم اعتراضی نداشته باشند و بر اساس مقررات دنیای امروز در دفاتر رسمی ثبت شود و از آن نظر انسانی است که مردی مسئولیت زندگی مادی و عاطفی و انسانی زنی بی‌سرپرست را بر عهده بگیرد و او را در کانون گرم خانواده خود راه می‌دهد و از او دفاع می‌کند.

در چه شرایطی زنان می‌توانند کار کنند؟

با توجه به بحث‌های گذشته ممکن است در ذهن عده‌ای این سؤال پیش بیاید که آیا کار و اشتغال برای زنان شرعا ممنوع و حرام نیست؟ در جواب باید گفت: نه به هیچ وجه کار و اشتغال زنان را نمی‌توان شرعا ممنوع دانست ولی لازم است توضیح داده شود که اسلام به چه صورت و در چه زمینه‌هایی به زنان اجازه کار می‌دهد. برای روشن شدن حقیقت کار خانم‌ها و تشکیل حق از باطل بطور کوتاه این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اولین کار و مسئولیت مهم محوری زنان که هیچ کس آن را انکار نمی‌کند همان شغل مادری و تربیت فرزندان است. در واقع مادر خود دانشگاهی

است چنانچه آن را درست اداره نماید ملتی اصیل و ریشه‌دار و ماندگار را تربیت و آماده نموده است. بر این اساس می‌گوییم که کار و اشتغال زنان اساساً جایز است و چنانچه از داشتن شوهر و پدر و برادر و خویشاوندانی که زندگی او را تأمین کنند محروم بوده مبنای در آمدی هم نداشته باشد و برای تأمین مخارج زندگی و نجات از سر افکندگی و نیازمندی و حفظ کرامت خود بتواند کاری مناسب را انجام دهد بسیار هم خوب و ضروری است. این بود مختصری دربارهٔ حجاب و مسائل مربوط به آن، امیدوارم مورد توجه قرار گرفته باشد. حق و حقیقت را خداوند بیان می‌فرماید و تنها اوست که راه خیر و سعادت را به انسان‌ها می‌نماید.

منابع

شماره	اسم کتاب	اسم مؤلف
۱-	قرآن کریم	
۲-	ترجمه قرآن کریم	بهاءالدین خرمشاهی
۳-	ترجمه قرآن کریم	عزت الله فولادوند
۴-	حجاب	ابوالاعلی مودودی
۵-	گناهان و لغزش‌ها از دیدگاه اسلام	عفیف عبدالفتاح
۶-	دورنمای جامعه اسلامی	یوسف قرضاوی
۷-	جایگاه زن در جامعه اسلامی	یوسف قرضاوی
۸-	الحجاب لماذا؟	محمد بن احمد اسماعیل
۹-	چشم چرانی چرا؟	علی سلطانی
۱۰-	کرانه سعادت	راغب اصفهانی
۱۱-	روح الدین الاسلامی	عفیف عبدالفتاح